



Institute for Research
& Planning in Higher Education

Higher Education Letter

Print ISSN: 2008-4617



National Organization
for Educational Testing

The Factors Affecting the Ability and Skills of Doctoral Students in the Field of Higher Education

Yazdan Ebrahimi¹, Zahra Chavoshi²

1. Assistant Professor, Department of Economic Higher Education, Institute for Research and Planning in Higher Education, Tehran, Iran; (Corresponding author), Email: yebrahimi@irphe.ir

2. PhD in Higher Education Management. Email: Z.chavoshi@gmail.com

Article Info ABSTRACT

Article Type: Research Article

Received: 2024.12.27

Received in revised
form: 2025.04.30

Accepted: 2025.05.24

Published online:
2025.06.23

Objective: The purpose of this research is to investigate the abilities of doctoral graduates in the field of higher education of universities and institutions of higher education in various executive, specialized, scientific, and social fields.

We also tracked doctoral graduates in higher education majors to check their abilities in different fields, such as performance, specialization, commitment and sense of responsibility, general understanding, scientific skills, theoretical issues, and social relations.

Methods: The research method of the study is descriptive and survey type. A questionnaire was used. This questionnaire was made by the researchers. The method used for sampling is the whole number. We used SPSS 23 software for data analysis. Also, we used SMART PLS software and t-test to test the hypotheses.

Results: The findings of the research indicate that teaching and learning patterns (t value, 1.45), facilities (t, 1.48), and curriculum (t, 0.185) provided during education don't affect business and ability and skills. Providing qualifications and skills (t, 2.739) during studies is effective in business and ability and skills.

Conclusion: Skill is one of the significant pillars of employment. Students should learn practical skills in addition to theoretical courses. Therefore, teaching practical courses and acquiring skills for Ph.D. students should be considered.

Keywords: Higher education, labor market, ability, skill, graduates.

Cite this article: Ebrahimi, Yazdan; Chavoshi, Zahra (2025). The factors affecting the ability and skills of doctoral students in the field of higher education. *Higher Education Letter*, 18(70), 33-51 pages.

DOI:10.22034/hel.2025.2001352.1877

© The Author(s).



Publisher: Institute for Research & Planning in Higher Education & National Organization of Educational Testing (NOET)

مؤلفه‌های اثر گذار بر توانایی و مهارت‌های دانش‌آموختگان دکتری رشته آموزش عالی

یزدان ابراهیمی^۱، زهرا چاووشی^۲

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران؛ (نویسنده مسئول). رایانامه: yebrahimi@irphe.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری مدیریت آموزش عالی، تهران، ایران. رایانامه: z.chavoshi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: بررسی مؤلفه‌های اثرگذار بر تواناییها و کسب مهارت دانش‌آموختگان دکتری در رشته آموزش عالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در زمینه‌هایی مختلف اجرایی، تخصصی، علمی و اجتماعی است. روش پژوهش: روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر رویکرد پیمایشی است. روش مورد استفاده برای نمونه‌گیری، تمام شمار بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است و با استفاده از نرم‌افزار SPSS داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، همچنین جهت آزمون فرضیه‌ها از نرم افزار SMART PLS استفاده شده است. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که الگوهای تدریس و یادگیری، امکانات و برنامه درسی ارائه شده در دوران تحصیل بر تسلط به کسب و کار و توانایی و مهارت‌های شغلی اثر معنی‌داری ندارد و ارائه صلاحیت و مهارت‌های لازم در دوران تحصیل در تسلط به کسب و کار و توانایی و مهارت شغلی تأثیرگذار است و اثر معنی دار دارد. نتیجه‌گیری: مهارت یکی از ارکان اصلی در اشتغال دانش‌آموختگان به شمار می‌آید و دانشجویان ضمن گذراندن دروس نظری، لازم است دروس عملی را بگونه‌ای بگذارند که مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار را کسب کنند. لذا توجه به مهارت‌های عملی در رشته آموزش عالی و گرایش‌های آن باید مورد توجه برنامه‌ریزان آموزش عالی قرار گیرد. کلیدواژه‌ها: آموزش عالی، بازار کار، توانایی، مهارت، دانش‌آموختگان.

استناد: ابراهیمی، یزدان؛ چاووشی، زهرا (۱۴۰۴). مؤلفه‌های اثرگذار بر توانایی و مهارت‌های دانش‌آموختگان دکتری رشته آموزش عالی. نامه آموزش عالی. ۱۸ (۷۰) ۳۳-

DOI: 10.22034/hel.2025.2001352.1877



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و سازمان سنجش آموزش کشور

مقدمه

آدام اسمیت اقتصاددان کلاسیک، آموزش انسان را بسان سرمایه گذاری اقتصادی فرض می‌کند و به صورت ضمنی پایه‌های «نظریه سرمایه انسانی» را بنا می‌نهد که براساس آن سرمایه به کار رفته در آموزش انسان‌ها زمانی دارای «ارزش» است که بتواند اصل سرمایه به کار رفته به اضافه سود حاصل از آن سرمایه را در زمانی معین و فرصت یا درآمد از دست رفته به وجود آورد (یمینی، ۱۳۹۶: ۳۶۴). در بحث سرمایه انسانی، محور مهم، آموزش و مهارت آموزی هستند. مطالعات نشان داده است با حضور سرمایه انسانی در بنگاه‌های تولید و به دلیل خلاقیت و نوآوری، بسترهای لازم برای بهبود فضای کسب و کار ایجاد می‌شود (قربانی و همکاران، ۱۳۹۹). سرمایه انسانی یعنی افراد از طریق آموزش و تحصیل، مهارت‌های لازم را کسب و در طول اشتغال، آن مهارت‌ها را بکار برند. (انتظاری، ۱۳۹۴). نظام آموزش عالی از طریق انتقال دانش و آموزش، و مهارت‌های متعدد مورد نیاز جامعه به انباشت سرمایه انسانی کمک می‌کند و در عمل موجب افزایش بهره‌وری، درآمد و رفاه دانش‌آموختگان و جامعه می‌گردد. (ابراهیمی، ۱۳۸۹) آموزش عالی به مثابه یک سیستم باز و پیچیده بطور پیوسته با محیط خود در ارتباط است و ورودی‌های با کمیت و کیفیت خاص (پذیرفته شدگان با سطح علمی مطلوب، یا با سطح علمی پایین، منابع زیاد یا کم...) را به خروجی‌هایی با کمیت و کیفیت خاص (فارغ‌التحصیل با سطح علمی بالا، فارغ‌التحصیل با سطح علمی پایین، خدمات کارا، اطلاعات زیاد یا کم، با کیفیت بالا یا پایین...) تبدیل می‌کند (یمینی ۱۳۹۶: ۲۱۲)

همچنان که سیمون کوزنتس بیان می‌کند که دست مایه عمده کشورهای پیشرفته از نظر اقتصادی این نیست که سرمایه فیزیکی و مادی زیادی در اختیار داشته باشد، بلکه مجموعه دانش و مهارت متراکمی است که از دانسته‌های آزمایش شده و اکتشافات حاصل از دانش تجربی به دست آمده و ظرفیت و مهارت‌های دانش آموختگان آن برای به کار گرفتن مؤثر این دانش هاست. بنابراین واضح است که امروزه در تمام جوامع، مهارت دانش آموختگان و دانش آنها، نقش عمده و اساسی در جامعه ایفا می‌کند (طالبی و همکاران، ۱۴۰۰). لذا، یک نظام آموزش عالی پویا و مفید برای جامعه، باید بتواند برای تأمین نیاز بازار کار، برنامه‌هایی را به صورت جدی در جهت آموزش، کسب توانایی و تقویت مهارت‌ها از جمله استدلال منطقی، تفکر انتقادی، مهارت‌های کار گروهی، قضاوت اخلاقی، مهارت‌های تصمیم گیری، مهارت‌های زبانی، مهارت‌های حل مسئله تدوین نماید (فلاح و همکاران، ۱۳۹۷).

نظام آموزش عالی علاوه بر ارائه مهارت‌های تخصصی مورد نیاز بازار کار، با کشف استعدادها و افزایش مهارت‌های دانشجویان باید موجب افزایش رشد اقتصادی، حمایت از جامعه مدنی و ایجاد دولت‌های کارآمد شود تا آنها با تصمیمات مهم خود موجب افزایش بهره‌وری در جامعه گردند (بانک جهانی، ۲۰۰۲). و انتظار این است که برای دستیابی به زندگی، شغل، فعالیت و درآمد بهتر در آینده، افراد پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه سرمایه انسانی را در وجود خود انباشت کنند. (انتظاری، ۱۴۰۱) از آنجا که، دوره دکتری، بالاترین دوره تحصیل در هرم آموزش عالی است، انتظار می‌رود، بیشترین ظرفیت و توانایی را در خلاقیت، پیشرفت علم، و نوآوری دانشجویان ایجاد کند؛ اگرچه، دانشجویان این سطح، سهم کمی از کل دانش‌آموختگان آموزش عالی را دارند؛ اما مسلماً از اهمیت زیادی در توسعه کیفی نظام آموزش عالی برخوردارند. با این وصف، از دانش‌آموختگان دکتری انتظار می‌رود که با فعالیت در حوزه‌های آموزش، پژوهش تخصصی و تولید علم، نقش خود را در اقتصاد دانش و پیشرفت علم، تکنولوژی و توسعه جامعه ایفا نمایند (یمینی، ۱۳۹۶).

در کشورهای توسعه یافته هدف آموزش عالی پاسخگویی به نیازهای بازار کار و افزایش بهره‌وری و کارایی بوده است. این کشورها تقریباً به این نتیجه رسیده‌اند که همسوئی هر چه بیشتر بین تحصیل و بازار کار برای افزایش توان و جذب دانش‌آموختگان ضروری است (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۱۲) و به موازات گسترش ارتباط آموزش عالی با بازار کار تغییراتی در مؤسسات آموزشی، برنامه‌های درسی، جذب دانشجویان، بازار کار، نظام اشتغال و رابطه میان آموزش عالی و بازار کار رخ داد. لذا؛ در کشورهای توسعه یافته، آموزش عالی در پی سیاست‌ها و اهدافی است که افراد را به سمت توانمند بودن و اثربخشی هدایت کند. در واقع چیزی که ما را به آینده مطلوب نزدیک می‌کند، کشف استعدادهای انسان و پرورش آنها است. به طور کلی اهداف آموزش عالی شامل تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه، ارتقای دانش، ترویج تحقیقات و بالا بردن سطح فرهنگ تخصصی و علمی جامعه برای توسعه کشور است. (یمینی ۱۳۹۶: ۲۱۲) زیرا، نیروی انسانی از مهمترین و اساسی‌ترین

ابزار دستیابی به توسعه در هر کشور محسوب می‌شود. و دونکته در این حوزه از اهمیت شایانی برخوردار است: ۱) آموزش و تجهیز نیروی انسانی به آخرین دستاوردهای علمی و پیشرفته‌های فناوری و ۲) به کارگیری منابع انسانی آموزش دیده، ماهر و متخصص. نیروی کار تحصیلکرده به عنوان یک سرمایه با ارزش که به تحصیلات عالی دست یافته، از اهمیت بسیاری در جوامع پیشرفته برخوردار است (زاهدی، ۱۴۰۰). دسترسی به آموزش عالی، فرصت‌های شغلی و به دنبال آن درآمد بیشتری را برای افراد و در نهایت برای جامعه به دنبال دارد. (ابراهیمی، چاووشی، ۱۴۰۲)

نظام آموزش عالی برای رسیدن به این اهداف ملزم به برنامه‌ریزی است و برنامه‌ریزی در یک دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی ممکن نخواهد بود؛ مگر اینکه، شناختی از عملکرد گذشته آن در دست باشد. شناخت این عملکرد می‌تواند نقاط قوت و ضعف مؤسسه آموزشی مورد نظر را مشخص سازد و راه را برای پیش‌بینی‌ها در مورد آینده مؤسسه و انتخاب استراتژی مناسب برای بهینه‌سازی کارایی درونی و بیرونی آن فراهم آورد (یمینی، ۱۳۹۶: ۲۰۹).

به همین دلیل ردیابی دانش‌آموختگان به منظور "نظر سنجی استاندارد از آنها در ارتباط با رشته تحصیلی و برنامه درسی که در دانشگاه گذرانده‌اند و جایگاه‌شان بعد از یک دوره معینی از فارغ‌التحصیلی" با تأکید بر اشتغال آنان و ارتباط برنامه درسی و کسب دانش شناختی در طول تحصیل، مهارت، توانایی بسیار مهم است. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته ردیابی دانش‌آموختگان در جهت اعتباردهی به برنامه درسی از الزامات است. در این کشورها سعی می‌شود که مهارت‌های لازم در ارتباط با شغل آینده، به دانشجو ارائه شود و داده‌های جمع‌آوری شده از دانش‌آموختگان، برای سنجش برنامه درسی ارائه شده و کارایی آن مورد استفاده قرار گیرد. نهادهای آموزش عالی در کشورهای توسعه‌یافته بسیار علاقمند به بازخورد دانش‌آموختگان برای توسعه برنامه درسی خود هستند تا آنان را برای عملکرد بهتر در شغل آینده آماده کنند (شامبرگ^۱، ۲۰۱۶).

در ایران نیز مدعیان بخش عمومی و خصوصی کشور موضوع عدم تطابق آموزش عالی با نیازهای بازار کار را مطرح می‌کنند (قارون، ۱۳۹۸) و معتقدند با افزایش فارغ التحصیلان آموزش عالی عدم تطابق خروجی‌های آموزش عالی با نیازهای جامعه به معضلی فراگیر تبدیل شده است. از اینرو لازم است، ردیابی دانش‌آموختگان به تفکیک دانشگاه‌ها و رشته‌ها، برای اصلاح فرآیند موجود بصورت مستمر انجام شود تا مؤلفه‌های اثر گذار بر توانایی و مهارت دانشجویان در برنامه‌های درسی در نظر گرفته شود. لذا، هدف از پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های اثرگذار در الگوهای تدریس و یادگیری، امکانات ارائه شده و برنامه درسی در دوران تحصیل دوره دکتری در تسلط به کسب و کار، توانایی و مهارت شغلی در رشته آموزش عالی است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رشته آموزش عالی

امروزه، بشر با دنیای پیچیده‌ای روبرو است و برای حل مشکلات پیش‌رو، نیازمند دیدگاه‌هایی جامع است. در این میان، تنها مطالعات بین‌رشته‌ای است که منجر به انسجام محیط پیرامون افراد، به خصوص محیط دانشگاه و مطالعات متخصصان می‌شود و همچنان پویایی نظام آموزش، رشد و اصلاح فرهنگ را در پی دارد. علاوه بر آن، تداخل محتوا، روش‌های پژوهش، اصول و نظریه‌ها، مرزبندی رایج علوم را از میان برده است. در واقع، پیشرفت در هر رشته، علاوه بر تحقیقات دانشمندان، خود نیازمند دیدگاه دانشمندان دیگر به خصوص رشته‌های نزدیک به هم است (خنجرخانی و همکاران، ۱۳۸۸). فعالیت میان رشته‌ای، این امکان را برای دانش‌پژوهان رشته‌های علمی مختلف بوجود آورده است تا شناخت بهتری از فعالیت‌های علمی یکدیگر به دست آورند. از اینرو، اگر دانشگاه به دنبال ایجاد پیوند با جامعه بزرگتری است که در آن خدمت می‌کند؛ باید تلاش کند، علاوه بر ایجاد رابطه میان آموزش عالی و آن جامعه، مرزهای رشته‌های علمی مختلف را نیز به یکدیگر نزدیک کند (نبوی، ۱۳۹۵). هدف از آموزش‌های میان رشته‌ای، ارتقاء سطح نگرش کلی فراگیران به دانش و بسط نگاه، رشد مهارت‌های حرفه‌ای و

¹. Schomburg

تفکر انتقادی و انعطاف‌پذیری در تحلیل تعصبات و از همه مهم‌تر، تقویت نگرش‌های اجتماعی و عاطفی فراگیران است (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸).

رشته آموزش عالی به عنوان یک میان رشته طبق گفته صاحب نظران، اولین بار در سال ۱۸۹۳ توسط جی استنلی هال در دوره ریاست خود در دانشگاه کلارک با سخنرانی‌ها، نشریات، دوره‌های آموزشی و مجلات پژوهشی مطرح شد. هال در پژوهش‌های خود درباره موضوعات اصلی رشته آموزش عالی از جمله: مدیریت دانشگاه، تدریس به دانشجویان، تفکیک نقش‌ها و تخصص‌ها در دانشگاه، ریاست و نیاز به همکاری در دانشگاه، برای آینده رشته آموزش عالی نظرات و پیشنهادهایی ارائه کرد که این نظرات و پیشنهادها به ایجاد اولین دوره آموزش عالی به عنوان رشته تحصیلی منجر شد. متزگر معتقد بود این تحول، رویش ایده‌های جدید و گسترش حیطه عمل و توسعه حرفه‌ای را در خود جای داده و زمینه ساز ایجاد دانش جدیدی است. بدین ترتیب، تا سال ۱۹۶۰ دانشگاه کلمبیا در برکلی، دانشگاه میشیگان و کالج معلمان در دانشگاه کلمبیا نزدیک به ۱۰۰ فارغ التحصیل از رشته آموزش عالی داشتند که نشانگر مقبولیت رشته آموزش عالی بود. در سال ۲۰۱۴ در سطح تحصیلات تکمیلی نیز ۲۷۷ برنامه آموزش عالی و ۲۱۷ مرکز پژوهشی در ۵۶ کشور جهان شناسایی شدند (سلیمی و همکاران، ۲۰۲۳).

در ایران نیز، در آستانه قرن بیست و یکم و سومین دهه انقلاب اسلامی رشته آموزش عالی به منظور پاسخگویی به رشد مبرم دانش و پژوهش در حوزه آموزش عالی؛ پیچیدگی‌های بیش از پیش آن، فرایندهای سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی و مدیریت؛ و گسترش کیفی و کمی فزاینده آموزش عالی در ایران و همچنین ضرورت هدایت علمی آموزش عالی در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تحقق اهداف آن در جهت بالابردن اثربخشی و کارایی نظام آموزش عالی و برون‌دادهای آن با نیازها، خواست‌ها و واقعیت‌ها جامعه به وجود آمده و به طور اخص اهداف زیر را دنبال می‌کند:^۱

- ۱) مدیریت و سازماندهی و گسترش مرزهای دانش و اعتلای موقعیت علمی کشور در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
 - ۲) هدایت علمی شیوه‌های مشارکت آموزش عالی در توسعه پایدار فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حل معضلات اجتماعی
 - ۳) انطباق و ارتقاء کیفی برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی با نیازهای روز جامعه و زمینه‌سازی توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی منطقه‌ای و بین‌المللی
 - ۴) تربیت نیروی انسانی متخصص برای آموزش و پژوهش در زمینه کلیه مسائل و معضلات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور
 - ۵) تربیت متخصص آموزش عالی در گرایش‌های مختلف مورد نیاز نظام آموزش عالی
- با توجه به اهداف فوق، رشته آموزش عالی دارای رسالت و وظیفه سنگینی در جهت تربیت اصولی دانشجویان براساس نیازهای کشور است. در صورت دستیابی به اهداف فوق، دانش‌آموختگان این رشته قادر خواهند بود با کسب مهارت‌های نظری و عملی در حوزه آموزشی و اجرایی پس از فارغ التحصیلی در مقاطع مختلف تحصیلی به عنوان متخصص، مدیر، صاحب نظر آموزشی، پژوهشی، اداری و اجرایی در حوزه آموزش عالی خدمت کنند. (فراستخواه، ۱۳۹۸).

مطالعات پیشین

نیروی کار، مهم‌ترین عاملی است که از طریق مشارکت در تولید، چه به لحاظ فیزیکی و چه به لحاظ فکری، نقش بسیار برجسته‌ای را در روند تولید ایفا می‌کند و به جرات می‌توان گفت جوامعی که موفق شده‌اند از طریق برنامه‌ریزی صحیح و متکی بر اصول و ضوابط علمی، نیروی انسانی کارآمدی را به وجود آوردند و از آن به نحو مناسبی استفاده کرده و توانسته‌اند به کمیابی‌های ناشی از دیگر عوامل تولید فائق آیند و اوضاع اقتصادی مطلوبی برای خود فراهم سازند (جزئی، ۱۳۸۵). از اینرو است که شناخت وضعیت گذشته و موجود جمعیت فعال دارای آموزش عالی و ارتباط بین آموزش عالی و بازار کار همواره یکی از مسائل مهم بحث‌های تحقیقاتی و پژوهشی بوده است و در زمینه‌های مختلف

^۱. مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره دکتری آموزش عالی، شورای عالی برنامه ریزی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰

آن از جمله میزان و چگونگی اشتغال دانش آموختگان رشته‌های مختلف آموزشی در دانشگاه‌ها در مناطق مختلف مطالعاتی زیادی انجام شده است. از میان پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با رشته تحصیلی و اشتغال می‌توان به پژوهش پاکزاد و عبدالهی تبریزی در سال ۱۴۰۳ اشاره کرد که وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته گرافیک آموزشکده‌های دانشگاه فنی و حرفه ای استان مازندران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که میزان اشتغال دانشجویان کارشناسی در این رشته وضعیت مناسب را نشان می‌دهد و مبین توفیق نسبی آموزش‌های کارگاهی و عملی رشته گرافیک آموزشکده‌های فنی و حرفه ای مازندران، در ایجاد اشتغال دانش آموختگان است. با وجود شرایط یکسان برای فارغ‌التحصیلان گرافیک آموزشکده‌های فنی و حرفه ای با سایر دانشگاه‌ها، تفاوت در نرخ اشتغال می‌تواند به نوع نگاه متفاوت دانشگاه فنی و حرفه ای به آموزش برای تربیت افراد ماهر و تکنسین‌های فنی بازار به سیاستها آموزشی، وجود آموزش‌های عملی و مهارتی و برنامه‌های توانمندسازی و اشتغال‌زایی دانشجویان برگردد. احمدی در سال ۱۳۹۳ در پژوهشی با عنوان بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان جامعه شناسی و عوامل مرتبط با آن با هدف بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته جامعه شناسی و ارتباط آن را با برخی متغیرهای اجتماعی و جمعیتی پرداخت. یافته‌های تحقیق او نشان داد که جنسیت، دوره تحصیلی روزانه-شبانه، شرکت و یا عدم شرکت در دوره‌های آموزشی، شهری و روستایی بودن و معدل دروس نظری با وضعیت اشتغال ارتباط معناداری ندارند، اما مقطع تحصیلی، معدل دروس عملی، معدل کل و انجام فعالیت‌های پژوهشی، با وضعیت اشتغال ارتباط معناداری دارند. در پژوهشی که در سال ۱۳۹۴ با عنوان واکاوی وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته‌های علوم تربیتی توسط شرفی و مقدم انجام شد به بررسی میزان دستیابی به اهداف رشته‌های علوم تربیتی از طریق بررسی دیدگاه دانش آموختگان کارشناسی ارشد و میزان جذب دانش آموختگان این رشته‌ها به بخش‌ها و سازمانهای مرتبط با اهداف رشته‌ای خود، میزان توان دانشگاه در آماده‌سازی دانش آموختگان به بازار کار و میزان رضایت این دانش آموختگان از محتوای رشته‌های خود پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که میزان اشتغال به کار دانش آموختگان در حین تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد ۲۲٫۵ درصد بوده است که بعد از فارغ‌التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد این میزان به ۸۰ درصد افزایش یافته است. بیشتر افراد شاغل، در بخش‌های دولتی و در دو بخش آموزش عالی و آموزش و پرورش مشغول به کار شده‌اند و میزان اشتغال به کار افراد در بخش صنعت افزایش یافته است. فاصله زمانی بین فارغ‌التحصیلی و شروع به کار شاغلین بیشتر بین ۳ ماه الی یکسال بوده است. همچنین میزان رضایت شغلی افراد و ارتباط شغل با رشته تحصیلی آنها مناسب ارزیابی شد.

اما در مورد تأثیر تحصیلات و نقش برنامه‌های درسی بر دستیابی به شغل می‌توان ابتدا به پژوهشی که در سال ۱۳۹۹ توسط صلواتی و همکارانش انجام شده، اشاره کرد که به بررسی تأثیر تحصیلات بر موفقیت شغلی کارکنان مراکز درمانی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که دروس دانشگاهی (تحصیلات) بر موفقیت شغلی کارکنان به میزان ۲۴٪ تأثیرگذار است. از بین دروس اصلی، تخصصی و پژوهشی، دروس تخصصی به میزان ۵۵٪ نسبت به دروس پژوهشی با ۵۳٪ و دروس اصلی با ۴۳٪ بیشترین ارتباط را دارد. آنها به این نتیجه دست یافتند که هرچه کارکنان تخصص و خبرگی بیشتری داشته باشند، در شغل و انجام وظایف نیز موفقتر خواهند بود. همچنین، اکیدی در سال ۱۳۹۸ به بررسی نقش برنامه‌های درسی رشته تحصیلی دانشجویان و دانش آموختگان در کسب مهارت‌های شغلی، انتظارات شغلی و شانس اشتغال آنها پرداخت. یافته‌های پژوهش اکیدی حاکی از آن بود که بین ادراک از دروس نظری دانشجویان و دانش آموختگان و مهارت‌های شغلی آنها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین آزمون همبستگی بین دو متغیر ادراک و نگرش دانشجویان و دانش آموختگان نسبت به دروس عملی و مهارت‌های شغلی کسب‌شده توسط آنها نشان داد که رابطه مثبت و معناداری میان نگرش نسبت به دروس عملی و مهارت‌های شغلی دانشجویان و دانش آموختگان وجود دارد. یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بین ادراک دانشجویان و دانش آموختگان در زمینه دروس نظری و نگرش تحصیلی آنها همبستگی بالایی وجود دارد، با وجود اینکه بین ادراک دانشجویان و دانش آموختگان نسبت به دروس عملی و نگرش و انتظارات شغلی آنها رابطه‌ای معناداری وجود دارد، ولی این رابطه نسبت به دروس نظری در سطح پایین‌تری قرار داشت.

نتایج تحقیق مهر عزیزاده و همکارش در بررسی بازار کار دانش آموختگان مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی ایران نیز نشان داده است که اولاً، مسأله اشتغال دانش آموختگان در کشور بحرانی است، بطوریکه ۴۵ درصد از دانش آموختگان که دارای شغل بوده‌اند در بخش دولتی مشغول به کار شده‌اند که این مسأله اهمیت زیاد بخش دولتی در ایجاد فرصت‌های اشتغال برای دانش آموختگان، و دیگر اینکه عدم توانایی بخش خصوص و تعاونی در ایجاد فرصت‌های شغلی برای دانش آموختگان است. ثانیاً در زمینه مطابقت تجربیات و برنامه‌های آموزشی دوره‌های کارشناسی با نیازهای موجود در بازار کار با توجه به سه بُعد: دانش، بیش-نگرش و مهارت‌های شغلی دانش آموختگان بیشترین تأثیر دانشگاه، اول در بُعد بینشی و دوم، در بُعد دانشی بوده است. در حالیکه دانش آموختگان عدم رضایت خود را در بُعد مهارت‌های عملی و روز آمد بودن مطالب درسی و مهارت‌های کارآفرینی ارائه شده در دانشگاه‌های مورد بررسی اعلام داشته‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان داده است که دانشگاه‌های دولتی در تربیت دانشجویان برای مهارت‌های فوق ناکارآمد بوده‌اند.

پژوهش‌هایی نیز در خارج از کشور انجام شده است که از میان آنها می‌توان به پژوهش ساتو^۱ و همکارانش در سال ۲۰۲۱ اشاره کرد که به بررسی وضعیت توانایی دانش آموختگان در کسب و کار ورزشی قبل و بعد از کرونا به ویژه در تغییر سیاست‌های اشتغال و آموزش عالی پرداختند. در این پژوهش دو هدف در نظر گرفته شد: (۱) درک قابلیت اشتغال فارغ التحصیلان (یعنی مهارت‌های سخت و نرم) و کمک‌هایی که موسسات آموزش عالی می‌توانند در تربیت منابع انسانی داشته باشند و (۲) شناسایی تفاوت‌ها در رابطه با عوامل فوق قبل و بعد از کووید-۱۹. نتایج مطالعه آنها نشان داد که مهارت‌های سخت/نرم و آموزش‌های بالقوه آموزش عالی بسیار مؤثر بوده است که پس از شیوع COVID-19 نیز تشدید شده است. سلیمان^۲ در پژوهشی با عنوان "مهارت‌های اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی: دیدگاه‌ها در چارچوب‌های مفهومی و گزینه‌های روش شناختی" به بررسی مطالعاتی پرداخت که سعی بر آن داشتند مفهوم مهارت‌های اشتغال‌پذیری را در تحلیل تجربی بگجانند. و بر بحث‌های مفهومی و گزینه‌های روش شناختی تمرکز داشته تا نشان دهد چگونه محققان به‌طور تجربی با مفروضات مرتبط با مهارت‌های اشتغال کنار می‌آیند. او به این نتیجه دست یافت که اگرچه فرض اساسی تحقیق این بود که مؤسسات آموزش عالی و سیاست‌گذاران باید اطلاعاتی در مورد مهارت‌های اشتغال‌پذیری داشته باشند، اما مطالعات بررسی شده در این مقاله نشان داد که شناسایی این مهارت‌ها یک تلاش بی‌ثمر است. توافق فقط در مورد برخی از مهارت‌های شناختی، فنی و رابطه ای یافت می‌شود. مهمتر از آن، استدلال می‌شود که رویکرد سمت عرضه، فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی را که ممکن است بر اشتغال‌پذیری تأثیر بگذارد، نادیده گرفته شده است. مشکل اشتغال‌پذیری دانش آموختگان فراتر از ارائه مهارت‌های مفید و لازم توسط مؤسسات آموزش عالی است.

یوشیموتو^۳ و همکارانش نیز با طرح سؤالی که مشتمل بر ۳۶ موضوع مربوط به توانایی، مهارت و فناوری لازم در شغل‌ها بود، سعی کردند توانایی‌های متنوعی را که در محل کار لازم است، برای دانش آموختگان دانشگاه‌های ژاپن و اروپا تبیین و نظر آنها را نسبت به دانش، توانایی و مهارت‌های لازم برای شغل‌ها بررسی کنند. به علاوه، ارزشیابی آنها را از دانش، توانایی و مهارت‌هایی که پس از فارغ‌التحصیلی دارند، جویا شوند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، دانش آموختگان دانشگاه‌های ژاپن بر ۲۱ موضوع شامل مهارت‌های شغلی و به کارگیری ماهرانه اندام و دست، سازگاری با شغل و درک پدیده‌ها از منظر منطق اقتصادی به عنوان توانایی‌های ضروری شغل تأکید داشتند. در حالی که دانش آموختگان دانشگاه‌های اروپا بر ۱۵ موضوع شامل اتکا به خود در کار، توانایی تصمیم‌گیری، مسئولیت‌پذیری فردی و دانش و مفاهیم بین رشته‌ای به عنوان توانایی‌های لازم شغل تأکید داشتند.

1. Sato

2. Suleman

3. Yoshimoto.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، و از نظر ماهیت توصیفی-همبستگی و از نوع پیمایشی - مقطعی انجام شده است. پژوهش پیمایشی یکی از شیوه‌های پژوهش کمی است که در آن پژوهشگر یک نمونه یا کل جامعه‌ای را در نظر می‌گیرد و از این طریق نگرش‌ها، ایده‌ها، رفتارها یا ویژگی‌های جمعیت هدف را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این شیوه، پژوهشگر داده‌های کمی را از طریق پرسشنامه و یا مصاحبه جمع‌آوری می‌کند. داده‌ها به صورت آماری تحلیل می‌شوند. سپس به سؤالات تحقیق پاسخ داده می‌شود. (کرسول، ۲۰۱۲). تحقیق حاضر از لحاظ افق زمانی، مقطعی است؛ زیرا داده‌ها و اطلاعات آن در یک مقطع زمانی گردآوری شدند. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموختگان در رشته آموزش عالی از سال ۸۶-۸۵ تا ۱۳۹۴-۱۳۹۳ است. طبق آمار^۱ تعداد این افراد برابر با ۶۴ نفر است. بدلیل محدود بودن جامعه آماری در این پژوهش سرشماری انجام شده است؛ یعنی وضعیت همه دانش‌آموختگان این رشته مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، به دلیل پراکندگی جغرافیایی و عدم دسترسی پژوهشگر به جامعه آماری تا حد امکان پرسشنامه به تمامی دانش‌آموختگان در رشته آموزش عالی ارسال گردید. از مجموع ۶۴ پرسشنامه ارسالی تعداد ۴۹ پرسشنامه تکمیل و عودت داده شد. پرسشنامه دارای ۴ بخش است که شامل: مشخصات فردی، تحصیل و کسب مهارت، اشتغال، رابطه تحصیل و شغل است. سؤالات پرسشنامه بر پایه پرسشنامه‌ای مربوط به پژوهش ردیابی دانش‌آموختگان در کشور آلمان است و اکثر سؤالات توسط محققان همین پژوهش ساخته و بومی شد و در نهایت پرسشنامه نهایی تهیه و اجرا گردید. در رابطه با روایی پرسشنامه از کارشناسان و دست‌اندرکاران امور آموزش عالی در رشته‌های آموزش عالی و گرایش‌های آن مصاحبه به عمل آمد و سپس با تأکید بر نظر آنها و مطالعات انجام شده در راستای اینکه سؤالهای آزمون تا چه میزان معرف محتوا و هدفهای برنامه هستند، پرسشنامه مورد نیاز طراحی شد. همچنین جهت برآورد پایایی در پژوهش کنونی از روش آلفای کرانباخ استفاده شده است. ابتدا پرسشنامه در یک نمونه ۱۰ نفری از نمونه آماری به صورت آزمایشی توزیع گردید و سپس آلفای کرانباخ توسط برنامه SPSS محاسبه شد. بالا بودن ضریب آلفای کرانباخ در شاخص‌های پرسشنامه نشان دهنده این امر است که سؤالات پرسشنامه از همسانی درونی لازم برخوردار است.

در این پژوهش برای پردازش، توصیف و تحلیل داده‌ها از آمارهای توصیفی و از فرمولهای آماری (درصد، میانگین، فراوانی) با استفاده از بسته نرم افزاری SPSS استفاده شده است. همچنین از طریق معادلات ساختاری و به روش حداقل مربعات جزئی PLS مورد تحلیل قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده

یافته‌های توصیفی

از آنجا که برای تربیت نیروهای کارآموده و متخصص لازم است مسائل و مشکلات در برنامه‌های گذشته شناسایی و در جهت رفع آن تلاش و برنامه‌ریزی شود. همچنین، جهت استفاده بهینه از این منابع در آینده به اجرای برنامه‌ریزی دقیق و منسجم نیازمندیم تا با در نظر گرفتن نیازها و مسائل جامعه، برای بالندگی و شکوفایی این نیروها برنامه‌ریزی کنیم. از اینرو، در ادامه براساس آخرین اطلاعات موجود وضعیت دانشجویان رشته دکتری آموزش عالی از ابعاد جنسیت، اشتغال، ارتباط رشته تحصیلی و اشتغال، تحصیلات والدین، میزان رضایت شغل را مورد بررسی قرار دادیم.

پس از گردآوری اطلاعات و جمع‌آوری پرسشنامه‌های پژوهش، داده‌ها با استفاده از آزمونهای آماری متناسب تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش به تفکیک در جدول آورده شده است:

^۱. مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

جدول (۱): ویژگی های شخصیتی

درصد	فراوانی		
٪ ۱۴/۳	۷	زن	جنسیت
٪ ۸۵/۷	۴۲	مرد	
٪ ۴/۲	۲	مجرد	وضعیت تأهل
٪ ۹۵/۸	۴۶	متاهل	
٪ ۲۶	۱۳	بدون تحصیلات رسمی	میزان تحصیلات پدر
٪ ۳۶	۱۸	تحصیلات ابتدایی	
٪ ۲۶	۱۲	دیپلم	
٪ ۸	۴	کارشناسی	
-	-	کارشناسی ارشد	
٪ ۲	۱	دکتر	میزان تحصیلات مادر
٪ ۳۴	۱۷	بدون تحصیلات رسمی	
٪ ۳۴	۱۷	تحصیلات ابتدایی	
٪ ۲۶	۱۳	دیپلم	
٪ ۲	۱	کارشناسی	
-	-	کارشناسی ارشد	اشتغال قبل از تحصیل در دوره دکتری
-	-	دکتر	
٪ ۹۵/۸	۴۶	شاغل	
٪ ۴/۲	۲	بدون شغل	اشتغال پس از تحصیل در دوره دکتری
٪ ۱۰۰	۴۷	شاغل	
-	-	بدون شغل	ارتباط شغل قبل از تحصیل در دوره دکتری با رشته تحصیلی دکتری
٪ ۷۱/۴	۳۵	مرتبط است	
٪ ۲۸/۶	۱۴	مرتبط نیست	ارتباط شغل کنونی با رشته تحصیلی در دوران دکتری
٪ ۸۳/۷	۴۱	مرتبط است	
٪ ۱۲/۲	۶	تا حدودی مرتبط است	رضایت از شغل کنونی
٪ ۴/۱	۲	مرتبط نیست	
٪ ۸۱/۶	۴۰	راضی‌ام	در کدام بخش مشغول به کار هستید
٪ ۱۸/۴	۹	تا حدودی راضی‌ام	
-	-	راضی نیستم	خود اشتغالی
٪ ۷۷/۶	۳۸	دولتی	
٪ ۲۰/۴	۱۰	غیردولتی	
٪ ۲	۱	خود اشتغالی	

یافته‌های تحلیلی

فرضیه اول: الگوهای تدریس و یادگیری ارائه شده در تسلط به کار و کسب توانایی و مهارت شغلی تأثیرگذار است. جدول (۱) مربوط به گویه‌های شاخص تأثیر الگوی تدریس و یادگیری در برنامه درسی است. این مقیاس از ۶ گویه ساخته شده است. بالاترین میانگین در این شاخص مربوط به شرکت در بحث‌های کلاسی با میانگین ۳,۲۲ و کمترین میانگین مربوط به گویه تمرین عملی با میانگین ۲,۰۲ است.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب الگوهای تدریس و یادگیری

گویه	خیلی کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
شرکت در جلسات علمی	۷	۱۷	۲۱	۴	۲/۴۵
	۱۴/۳	۳۴/۷	۴۲/۹	۸/۲	
شرکت در پروژه‌های پژوهشی	۱۴	۱۷	۱۰	۷	۱/۲۱
	۲۸/۶	۳۴/۷	۲۰/۴	۱۴/۳	
تمرین عملی	۱۳	۲۳	۱۰	۲	۲/۰۲
	۲۶/۵	۴۶/۹	۲۰/۴	۴/۱	
ارائه درس توسط دانشجو	۵	۶	۱۴	۲۲	۳/۱۳
	۱۰/۲	۱۲/۲	۲۸/۶	۴۴/۹	
تدریس مشترک (دانشجو و استاد)	۱۵	۱۸	۹	۷	۲/۱۶
	۳۰/۶	۳۶/۷	۱۸/۴	۱۴/۳	

فرضیه دوم: امکانات ارائه شده در دوران تحصیل در تسلط به کسب و کار، و توانایی و مهارت شغلی تأثیرگذار است. جدول (۲) مربوط به میزان اهمیت گویه‌ها در طی دوران تحصیل است. این مقیاس از ۸ گویه بدست آمد. بالاترین میانگین در این شاخص مربوط به گویه‌های "فناوری اطلاعات و ارتباطات"، "محتوی آموزشی" و "نحوه تعامل استاد و دانشجو" با میانگین ۳,۴۱ و کمترین میانگین مربوطه به گویه "محل اقامت" با میانگین ۲,۵۴ است.

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب برخورداری از امکانات در دوران تحصیل

گویه	خیلی کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
کتابخانه	۶	۱۳	۱۵	۱۵	۲/۸۰
	۱۲/۲	۲۶/۵	۳۰/۶	۳۰/۶	
الگوهای یادگیری	۲	۱۰	۲۰	۱۷	۳/۰۶
	۴/۱	۲۰/۴	۴۰/۸	۳۴/۷	
فضای یادگیری	۲	۴	۲۲	۲۱	۳/۲۷
	۴/۱	۸/۲	۴۴/۹	۴۲/۹	
محتوی آموزشی	۱	۴	۱۸	۲۶	۳/۴۱

	درصد	۲/۰	۸/۲	۳۶/۷	۵۳/۱	
محل اقامت	فراوانی	۷	۱۳	۲۳	۵	۲/۵۴
	درصد	۱۴/۳	۲۶/۵	۴۶/۹	۱۰/۲	
نحوه تعامل استاد و دانشجو	فراوانی	۲	۶	۱۱	۳۰	۳/۴۱
	درصد	۴/۱	۱۲/۲	۱۱	۲۲/۴	
فرایند آموزشی	فراوانی	۱	۶	۲۱	۲۱	۳/۲۷
	درصد	۲/۰	۱۲/۲	۴۲/۹	۴۲/۹	

فرضیه سوم: کسب صلاحیت در دوران تحصیل در تسلط به کار و کسب توانایی و مهارت شغلی تأثیرگذار است. جدول (۳) مربوط به گویه‌های شاخص "برخورداری از صلاحیت‌ها در زمان تحصیل" است. در این مقیاس از ۱۹ گویه استفاده شده است. بالاترین میانگین در این شاخص مربوطه به گویه "کسب دانش در رشته تحصیلی آموزش عالی" با میانگین ۲,۹۸، و کمترین میانگین مربوطه به گویه "توانایی کار تیمی" با میانگین ۲,۲۹ است.

جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب کسب صلاحیت در دوران تحصیل

میانگین	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	خیلی کم	گویه
۲/۹۸	۱۳	۲۴	۱۰	۲	کسب دانش در رشته
	۲۶/۵	۴۹/۰	۲۰/۴	۴/۱	تحصیلی آموزش عالی
۲/۴۷	۹	۱۴	۱۴	۱۰	مهارت‌های استفاده از اینترنت
	۱۸/۴	۲۸/۶	۲۸/۶	۲۰/۴	
۲/۴۰	۸	۱۴	۱۵	۱۱	مهارت‌های استفاده از کامپیوتر
	۱۶/۳	۲۸/۶	۳۰/۶	۲۲/۴	
۲/۴۷	۷	۱۶	۱۹	۷	تسلط به زبان دوم
	۱۴/۳	۳۲/۷	۳۸/۸	۱۴/۳	
۲/۶۱	۶	۲۳	۱۵	۵	تفکر انتقادی
	۱۲/۲	۴۶/۹	۳۰/۶	۱۰/۲	
۲/۶۱	۸	۱۸	۱۹	۴	مهارت‌های ارتباطی
	۱۶/۳	۳۶/۷	۳۸/۸	۸/۲	
۲/۴۵	۸	۱۳	۲۱	۷	مدیریت زمان
	۲۶/۳	۲۶/۵	۴۲/۹	۱۴/۳	
۲/۷۳	۱۰	۲۰	۱۳	۵	کارکردن به طور مستقل
	۲۰/۴	۴۰/۸	۲۶/۵	۱۰/۲	
۲/۲۹	۴	۱۷	۱۷	۱۱	توانایی کار تیمی
	۸/۲	۳۴/۷	۳۴/۷	۲۲/۴	
۲/۴۵	۴	۱۹	۲۱	۵	توانایی حل مسئله
	۸/۲	۳۸/۸	۴۲/۹	۱۰/۲	
۲,۴۸	۷	۱۶	۱۸	۷	مسئولیت پذیری

	۱۴/۳	۳۶/۷	۳۶/۷	۱۴/۳	درصد	
۲/۴۷	۸	۱۶	۱۶	۹	فراوانی	نوآوری
	۱۶/۳	۳۲/۷	۳۲/۷	۱۸/۴	درصد	
۲/۶۳	۱۱	۱۷	۱۳	۸	فراوانی	مدیریت برنامه / پروژه
	۲۲/۷	۳۴/۷	۲۶/۵	۱۶/۳	درصد	
۲/۶۷	۱۱	۱۷	۱۳	۷	فراوانی	توانایی یادگیری دائم
	۲۲/۴	۳۴/۷	۲۶/۵	۱۴/۳	درصد	
۲/۹۶	۴۹	۱۹	۱۳	۲	فراوانی	شرکت در بحث
	۳۰/۶	۳۸/۸	۲۶/۵	۴/۱	درصد	
۲/۸۴	۱۲	۲۰	۱۴	۳	فراوانی	توانایی تحلیل
	۲۴/۵	۴۰/۸	۲۸/۶	۶/۱	درصد	
۲/۷۸	۱۴	۱۲	۲۱	۲	فراوانی	سازگاری با محیط
	۲۸/۶	۲۴/۵	۴۲/۹	۴/۱	درصد	
۲/۵۹	۱۱	۱۳	۱۹	۶	فراوانی	رهبری
	۲۲/۴	۲۶/۵	۳۸/۸	۱۲/۲	درصد	

فرضیه چهارم: برنامه درسی ارائه شده در دوره دکتری در کسب مهارت شغلی تأثیرگذار است.

در این بخش از پاسخگویان سؤال شد، برنامه درسی ارائه شده در دوره دکتری تا چه اندازه بر موارد زیر اثر داشته است؟ جدول ۴-۱۰ مربوط به گویه‌های شاخص برنامه درسی ارائه شده در دوره دکتری است. در این مقیاس از ۴ گویه استفاده گردید. بالاترین میانگین در این شاخص مربوطه به گویه‌های "توسعه توانایی‌های فردی" با میانگین ۲,۸۳ و کمترین میانگین مربوط به گویه "توسعه مهارت‌های کارآفرینی" با میانگین ۲,۰۴ است.

جدول ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان تأثیر برنامه درسی

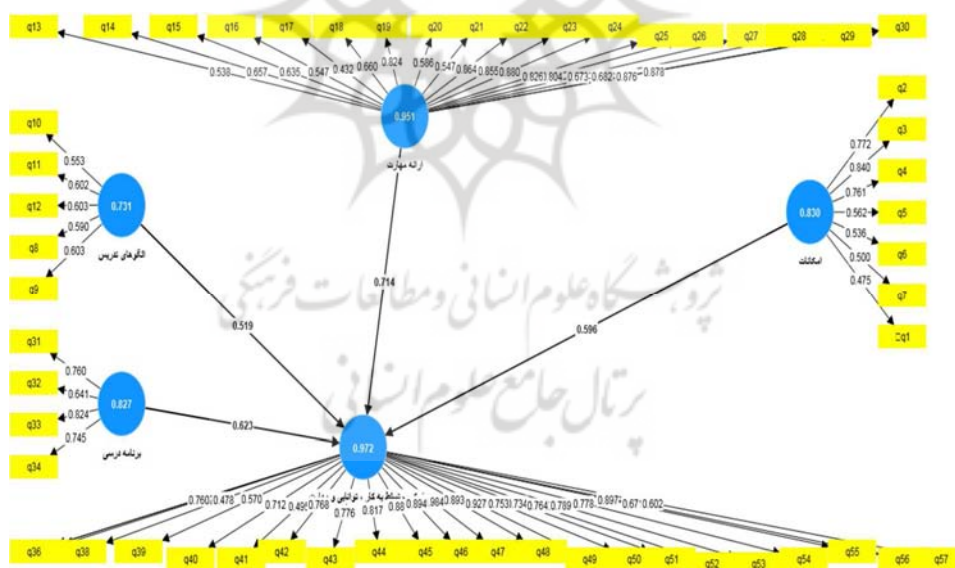
گویه	خیلی کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
تسلط بیشتر بر کار کنونی	۴	۱۶	۱۴	۱۵	۲/۸۲
	۸/۲	۳۲/۷	۲۸/۶	۳۰/۶	
دستیابی به شغل مطلوب	۱۵	۱۱	۶	۱۶	۲/۴۸
	۳۰/۶	۲۲/۴	۱۲/۲	۳۲/۷	
توسعه توانایی‌های فردی	۵	۹	۲۳	۱۱	۲/۸۳
	۱۰/۲	۱۸/۴	۴۶/۹	۲۲/۴	
توسعه مهارت‌های کار آفرینی	۱۸	۱۶	۱۰	۵	۲/۰۴

آزمون الگوی مسیر با استفاده از نرم افزار PLS

ابتدا، جهت آزمون الگوی سنجش ساختاری، الگوی نهایی پژوهش در محیط نرم افزار PLS طراحی شد. سعی بر آن بود که الگویی انتخاب گردد که در آن سازه‌های الگو بیشترین مقدار R^2 را داشته باشند. در مرحله بعد، الگوریتم PLS اجرا شد و خروجی‌های نرم‌افزار (شکل ۱) با استفاده از شواهد آماری مانند الگوهای تدریس و یادگیری ارائه شده در دوران تحصیل، امکانات ارائه شده، کسب صلاحیت و برنامه درسی ارائه شده در مقطع دکتری در رشته آموزش عالی و گرایش‌های آن رابطه آنها با تسلط به کسب و کار، و توانایی و مهارت شغلی را نشان می‌دهد.

مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب، بار عاملی 0.4 است. در این پژوهش همانطور که شکل ۱ نشان می‌دهد تمامی ضرایب بار عاملی از 0.4 بیشتر است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد. با بررسی ضرایب بارهای عاملی سؤال، الفای کرنباخ و پایایی ترکیبی دو سازه اصلی پژوهش است. مقدار مربوط به این معیارها برای تمامی سازه‌ها بالاتر از 0.7 است که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. روایی همگرا یکی دیگر از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سولات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد. فورنل و الکر (۱۹۸۱) مقدار مناسب برای AVE را 0.5 به بالا معرفی کرده‌اند (داوری، رضا زاده، ۱۳۹۲). نتایج مشخص شده در خروجی پژوهش نشان از آن دارد که میزان AVE از 0.5 بیشتر شده که حکایت از روایی همگرایی مناسب مدل دارد.

شکل ۱: خروجی اجرای الگوریتم PLS



جدول ۶: خلاصه‌ای از مشخصات کلی PLS

ارائه مهارت	الگوهای تدریس	امکانات	برنامه درسی	کسب مهارت	
۰/۹۵۱۹۵۱	۰/۷۴۴	۰/۸۳	۰/۸۲۷	۰/۹۷۲	Cronbach's alpha
۰/۹۵۹	۰/۷۴۳	۰/۸۵۶	۰/۸۳۹	۰/۹۷۶	(Composite reliability (rho_a
۰/۹۵۶	۰/۸۳۹	۰/۸۷۴	۰/۸۸۷	۰/۹۷۴	(Composite reliability (rho_c
۰/۵۵۴	۰/۵۶۶	۰/۵۰۵	۰/۶۶۴	۰/۶۲۵	(Average variance extracted (AVE

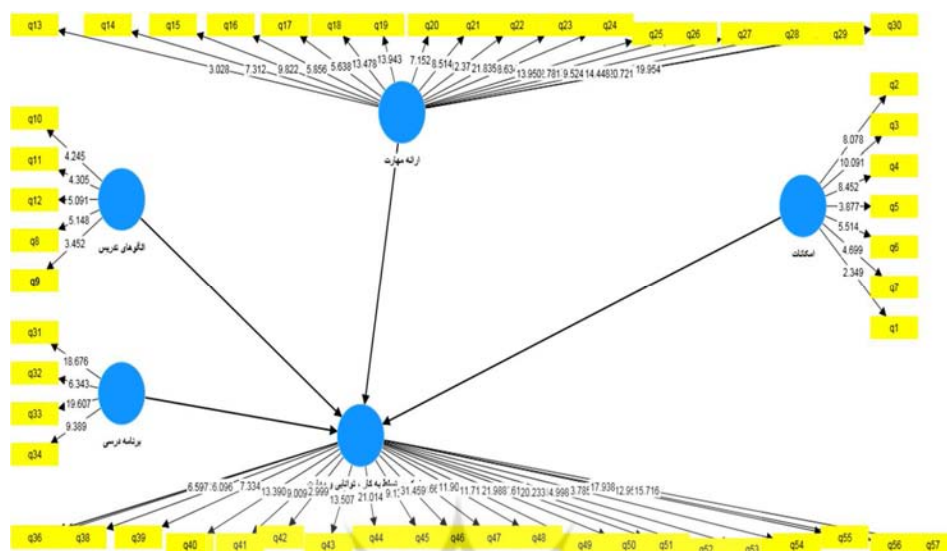
از دیگر معیارها برای برازش مدل ساختاری در یک پژوهش، ضرایب R^2 مربوط به متغیرهای پنهان درون زای مدل است. R^2 معیاری است که نشان از تأثیر متغیر برون را بر یک متغیر درون را دارد و سه مقدار ۰،۱۹، ۰،۳۳، ۰،۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته می شود (داوری، رضازاده، ۱۳۹۲). همانطور که خروجی PLS نشان می دهد مقدار R^2 برای سازه عملکرد ۰،۵۵۰ محاسبه شده است که با توجه به سه مقدار ملاک، مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می کند.

جدول ۷: میزان R^2

adjusted R-square	R-square	
۰/۵۰۹	۰/۵۵	کسب مهارت

در نرم افزار SMART-PLS ارزش t ، معنی دار بودن اثر متغیرها را نسبت به یکدیگر نشان می دهد. چنانچه مقدار t از ۱،۹۶ بیشتر باشد، به معنای اثر مثبت متغیر مستقل بر متغیر وابسته و رابطه معنی دار است. اگر بین ۱،۹۶ تا -۱،۹۶ باشد، اثر معنی داری وجود ندارد و اگر کوچک تر از -۱،۹۶ باشد، به معنای اثر منفی و معنی دار است (Chin, 2003). طبق داده‌های بدست آمده از جدول شماره ۶ می توان عنوان کرد که نتیجه حاصل از آزمون فرضیه اول (الگوهای تدریس و یادگیری ارائه شده در تسلط به کسب و کار، و توانایی و مهارت شغلی تأثیرگذار است) با توجه به مقدار t ، ۰،۱۴۵، آزمون فرضیه دوم (امکانات ارائه شده در دوران تحصیل در تسلط به کسب و کار، و توانایی و مهارت شغلی تأثیرگذار است) با مقدار t ، ۱،۴۸ و آزمون فرضیه چهارم (برنامه درسی ارائه شده در دوره دکتری در تسلط به کسب و کار، و توانایی و مهارت شغلی تأثیرگذار است) نشان می دهد که الگوهای تدریس، امکانات و برنامه درسی ارائه شده در دوران تحصیل بر تسلط به کسب و کار، و توانایی و مهارت شغلی اثر معنی داری ندارد. و فقط فرضیه سوم (کسب صلاحیت و مهارت های لازم در دوران تحصیل در تسلط به کسب و کار، و توانایی و مهارت شغلی تأثیرگذار است) با مقدار t ، ۲،۷۳۹ نشان می دهد که کسب صلاحیت و مهارت های لازم در دوران تحصیل در تسلط به کسب و کار، و توانایی و مهارت شغلی تأثیر معنی دار دارد.

شکل ۲: خروجی آزمون بوت استرپینگ در نرم افزار PLS



جدول ۸: خلاصه‌ای از آزمون بوت استرپینگ در نرم افزار PLS

P values	T statistics	Standard deviation	Sample mean	Original (O) sample	
۰/۰۰۶	۲/۷۳۹	۰/۱۷۳	۰/۴۴	۰/۴۷۴	ارائه مهارت -> کسب مهارت
۰/۸۸۵	۰/۱۴۵	۰/۱۳۲	۰/۰۳۱	۰۱۹/۰-	الگوهای تدریس -> کسب مهارت
۰/۱۳۷	۱/۴۸۶	۰/۱۲۱	۰/۱۹۷	۰/۱۸	امکانات -> کسب مهارت
۰/۰۶۴	۱/۸۵۵	۰/۱۲۷	۰/۲۳۵	۰/۲۳۵	برنامه درسی -> کسب مهارت

بحث و نتیجه گیری

امروزه با تغییر شکل جوامع و روابط اعضای آن، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی، کشورها با مسائل گوناگونی روبه رو شده‌اند؛ مسائلی مانند نیاز به ارائه راهکارهای نو در پاسخ به مسائل جدید مدیریت و تخصیص صحیح منابع محدود برای افزایش بهره‌وری و سیاستگذاران برای پاسخگویی به این مسائل، دیگر قادر نیستند همانند گذشته برحسب تقدیر و احتمال اقدام کنند. در چنین شرایطی نقش آموزش عالی پررنگ تر شده و از مهمترین پایه‌های جوامع تلقی می‌شود (همتی و همکاران، ۱۳۹۹). نقش آموزش عالی، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه، ترویج و ارتقای دانش و فراهم کردن زمینه مساعد برای توسعه کشور است. بدین ترتیب، در اجرای موفقیت آمیز هر برنامه و تحقق اهداف آن، آگاهی از وضعیت موجود و پایش دوره‌ای کیفیت آموزشی در زمانهای مختلف از اهمیت زیادی برخوردار است. (کریمی اعتماد، یعقوبی، ۱۳۹۸) از آنجا که دانش و مهارت دارائی‌های کلیدی هستند و سرمایه‌های انسانی، زیر بنای تأمین این دو وجه است. لذا تدارک منابع

مذکور یا عبارتی برنامه ریزی توسعه منابع انسانی مستلزم شناسایی دقیق و همه جانبه نیازها است و شناسایی ویژگی های سرمایه انسانی و تعیین نیازهای کیفی، گام اول در برنامه ریزی توسعه منابع انسانی است (قارون، انتظاری، ۱۳۹۱).

به جهت اینکه، سرعت فزاینده تغییرات اجتماعی و روند تحولات در زمینه های گوناگون دانش بشر و ظهور و بروز گرایش های تخصصی در علوم و گرایش های تلفیقی نیاز به استفاده از الگوها و روش های جدید برنامه ریزی درسی در آموزش عالی دارد. لذا، برنامه ریزان درسی نوآور از یک طرف بایستی برنامه های درسی آموزش عالی را با اهداف تولید دانش و گسترش پیکره علم همسو سازند و از سوی دیگر آموزش عالی جامعه نگر و کاربردی را در تربیت نیروهای متخصص و ماهر دانش آموخته در مراکز آموزش عالی توسعه دهند (یارمحمدی و همکاران، ۱۳۸۳). از اینرو، در این پژوهش تأثیر الگوهای تدریس و یادگیری، ارائه امکانات، برنامه درسی و ارائه صلاحیت و مهارت های لازم در دوران تحصیل بر تسلط به کسب و کار و توانایی و مهارت های شغلی در نظر گرفته شده است. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه های پژوهش به ترتیب نشان داد که:

فرضیه اول حاکی از آن است که الگوهای تدریس و یادگیری ارائه شده در کسب و کار و کسب توانایی و مهارت شغلی تأثیرگذار نیست. یافته های این پژوهش با یافته های پژوهش اکیدی (۱۳۹۸) همخوانی دارد؛ نتایج پژوهش وی حاکی از آن بود که بین ادراک از دروس نظری و عملی دانشجویان و دانش آموختگان و مهارت های شغلی آنها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم عبارت بود از آن که امکانات ارائه شده در دوران تحصیل در کسب و کار و کسب توانایی و مهارت شغلی تأثیرگذار نیست. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق احمدی (۱۳۹۳) همخوانی دارد و نتایج تحقیق وی نیز حاکی از آن بود که امکانات ارائه شده از جمله دوره تحصیلی روزانه- شبانه، ارائه دوره های آموزشی ارتباط معنا داری با کسب مهارت ندارد.

فرضیه سوم بیانگر آن بود که کسب صلاحیت و مهارت های لازم در دوران تحصیل در کسب و کار و کسب توانایی و مهارت شغلی تأثیرگذار است. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق ساتو و همکارانش (۲۹۲۱) همخوانی دارد. بطوریکه نتایج مطالعات آنها نشان داد که مهارت های سخت/نرم و آموزش های بالقوه آموزش عالی بر توانایی دانشجویان بسیار مؤثر بوده است که پس از شیوع COVID-19 نیز تشدید شده است. همچنین با نتایج تحقیق یوشیموتو و همکارانش (۲۰۰۴) نیز همخوانی داشت. نتایج تحقیق آنها نشان داد که دانش آموختگان دانشگاه های ژاپن و آمریکا به داشتن مهارت ها و توانایی های لازم در کار تأکید داشتند.

آزمون فرضیه چهارم بیانگر آن بود که برنامه درسی ارائه شده در دوره دکتری در کسب و کار و کسب توانایی و مهارت شغلی تأثیرگذار نیست. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش های صلواتی همخوانی داشته بطوریکه دروس دانشگاهی (تحصیلات) بر موفقیت شغلی کارکنان تنها به میزان ۲۴٪ تأثیرگذار است. همچنین با نتایج تحقیق مهر عزیزاده و همکارانش نیز همخوانی دارد. چنانچه نتایج تحقیق آنها نشان داد که دانش آموختگان در حوزه کسب مهارت های عملی و روز آمد بودن مطالب درسی و مهارت های کارآفرینی ارائه شده در دانشگاه های رضایت نداشته اند. همچنین یافته های پژوهش اکیدی (۱۳۹۸) نیز حاکی از آن بود که بین ادراک از دروس نظری و عملی دانشجویان و دانش آموختگان و مهارت های شغلی آنها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

بر اساس یافته های پژوهش، لازم است ضمن ارائه دروس نظری به دانشجویان، دروس عملی و مهارت های را نیز ارائه دهند تا از این طریق نیروی تحصیل کرده متخصص و ماهر قادر به پاسخگویی مسائل مورد نیاز جامعه بوده و منجر به رشد اقتصادی و اجتماعی گردند. سیستم آموزشی، رکن اصلی در آمادگی و تعلیم نیروی انسانی متخصص و ماهر محسوب می شود و از آنجا که خروجی ها و نتایج سیستم آموزش عالی به طور مستقیم بر توسعه کشور تأثیرگذار است؛ لذا، نقش مهمی را در شکل دهی آینده کشور نیز ایفا می کند. اگر اینگونه نباشد همانند این است که در دریا توری انداخته می شود و ممکن است نهنگ و یا سنگ صید شود؛ ولی اگر صیاد با برنامه ریزی شکار کند قطعه ماهی می گیرد و دقیقاً به هدف می زند. با این حال، تحلیل داده های موجود در ارتباط با مسیرهای شغلی دانش آموختگان دکتری و کسب توانایی و مهارت های لازم چندان آسان نیست. بسیاری از داده های موجود بر اساس نمونه های خاصی است که از تعداد محدودی دانش آموختگان دکتری در یک یا چند دانشگاه بدست آمده و این تعداد نمی تواند نماینده کل جمعیت دانش آموختگان دکتری باشند؛ به همین دلیل، این موضوع را نمی توان به آسانی تحلیل کرد و از آن نتیجه گرفت.

References:

- Ahmadi, S. (2013). Investigating the employment status of sociology graduates and related factors. *Journals of Economic& Developmental Sociology*.
- Ahmadi, S., Amiri, R., (2012) Investigating the relationship between skill training and employment. The first seminar on skills training and employment in Tehran, Iran. *Technical and Professional Organization*.
- Alizadeh, Y. Armen, S.A. (2006). Examining the labor market of undergraduate graduates in Iran's public universities. *Journal of Daneshvar Behavior/ Shahed University*. No, 26.
- Armstrong, M. (2006). A handbook of human resource management practice. *Kogan Page Publishers*.
- Azizi, N. (1377). The connection of education in the economic capacity: the need to examine new methods and solutions to connect the education system to the labor market. *Quarterly Journal of Education*. Vol.14.
- Chin, W. W. (2003). Issues and opinions on structural equation modeling. *MIS Quarterly*, 22(1), 7-16.
- Creswell, J. W. (2012). *Educational research*. pearson.
- Davari, A., & Rezazadeh, A. (2013). Structural equation modeling with PLS. *Tehran: Jihad University*.
- Ebrahimi, Y., (2011). Economic openness and the effect of higher education on economic growth. *Shahid Beheshti University*.
- Ebrahimi, Y., Chavoshi, Z. (2023). investigating of effective barriers to promotion of faculty women in Iranian universities. *Quarterly Journal of Women's Student Sociological and Psychological*.
- Entezari, Yaqoub (2014). Microeconomics of education. *Tehran: Institute for Research& Planning in Higher Education*.
- Entezari, Yaqoub (2022). The ecosystem of knowledge-based development” and employment of higher education graduates. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 28(1), 1-32, Spring 2022.
- Fallah, M. Reshadatjoo, H., Ghourchian, N., (2019). Effective Dimensions and Components in the Quality of the Military Higher Education System (Case Study: a Military Organization). A Research *Quarterly In Military . Management*. Vol. 18, No. 72, p.p 86-109.
- Farastkhah, M. (2018). The social history of the Scientific and Educational Research and Planning Institute to Institute for Research and Planning in Higher Education. *Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education*.
- Gharon, M., Entezari, Y., (2012). The place of skill training in knowledge-based economic development. *Journal of Industry&University*.
- Ghorbani, Gh., Sarlak, A., Haji, Gh. (2019). The impact of human capital and business environment on the economic growth of Iran's provinces. *Islamic Azad University Scientific Journals Database*. Vol. 14, No. 50. P.p. 153-176.
- Gough, S., & Scott, W. (2008). Higher education and sustainable development: Paradox and possibility. Routledge.

- Hemmati.R., Ghasemi,V., Mansourinezhad,E. (2020). Higher Education and Economic Development: A Comparative Study of the Selected Countries of the World. *Journal of Applied Sociology*. Volume31,Issue3-SerialNumber79October 2020.Pages 75-96.
- Jozeei, N. (2006). *Entrepreneurship of university graduates*. Tehran: Institute For Social and Cultural Studies.
- Karimi Etemad, F., Jafar, Y., (2019). To Investigate the Resistive Economy Plicies in Higher Educatin (Case Study: Zanzan University). *Iranian Journal of The Knowledge Studies in The Islamic University*, volume:23. Issue: 80.2019.
- Khanjarkhani, Z., Bakhtiar Nasrabadi, A., Ebrahimi Dinani, A. (2010). Types of Interdisciplinary Studies in Higher Education. *Quarterly journal of interdisciplinary studies in humanities* Vol. 2, No. 1, p.p. 167-186.
- Khorsandi Taskoh, A, (2009). Variety of Typologies in Interdisciplinary Education. *Quarterly journal of interdisciplinary studies in humanities*. Vol. 1, N0.4, 57-83.
- Kucharčíková, A.(2011). Human capital–definitions and approaches. *Human Resources Management & Ergonomics*, 5(2), 60-70.
- Mehr Alizadeh, Y., Armen, S.A. (2006). A Follow up Study of Employabiltiy of Public University Graduates. *Scientific Journal of Business Strategies*.
- Nabawi, Seyyed Abdul Amir (2015). Interdisciplinary studies and methodological plurality andns and suggestions. *Quarterly journal of interdisciplinary studies in humanities*.Vol.8, No. 2, p.p.56-74.
- Naderi.A. (2004). Economics of Education. *Istron Publisher*.
- Okidy, (2018). Measuring the attitudes and perceptions of undergraduate students and graduates regarding the role of the curricula of their field of study in acquiring job skills, job expectations and their chances of employment. *Studies and research in behavioral sciences*.
- Pakzad, N., Abdolahi Tabrizi, F. (2024). Survey of Employment Status Graphic Graduates in the Colleges of Mazandaran Technical and Vocational University. *Higher Education Letter*. Vol. 17.
- Salimi, Gh., Khademi, S., Sajadi, S.M., (2023). A comparative of the latest transition in the topics of the higher education management doctoral course in Iran and some selected universities in the the world. *Higher Education Letter*. . Vol. 16, p.p. 7-44.
- Salvati, P., Behbodhi, A. Sohrabi, F. (2019). Explaining the leveling model of organizational training courses with the approach of the impact of education on career success. *Applied studies in management & development science*.
- Sato, S., Kang, T. A., Daigo, E., Matsuoka, H., & Harada, M. (2021). Graduate employability and higher education's contributions to human resource development in sport business before and after COVID-19. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*, 28, 100306.
- Schomburg, H. (2016). Carrying out Tracer studies. VOLUME 6.
- Sharafi, M., Moghadam, M. (2016). Analysis of the employment status of graduates of educational sciences: case study. *Quarterly Research on Educational Leadership & Management*. Vol. 1, Issue 2 , , P.P. 167-192
- Sohrabi, H. (1376). Supply and demand of specialized manpower in Iran: an analysis of the current situation and future prospects. *Tehran: Program and Budget Organization*.
- Suleman, F. (2018). The employability skills of higher education graduates: insights into conceptual frameworks and methodological options. *Higher Education*, 76, 263-278.

- Taleby, Y., Vatanparast, M., Azadi, K. (2022). Needs assessment of higher education graduates' skills in leadership ideas. *The Islamic Revolution Approach*. Vol.15, No.56, .p 163-184.
- Teichler, U. (1999). Higher education policy and the world of work: Changing conditions and challenges. *Higher Education Policy*, 12 (4), 285–312.
- World Bank (2002). 'Constructing Knowledge Societies: New Challenges for Tertiary Education'. Washington, DC 20433.
- Yarmohammadi, M. , Nadi Kharesgani, M.A. Saadatmand, Z. (2013). "Article" in Encyclopedia of Higher Education: Employment and Higher Education. Vol. 1, *Tehran: The Great Farsi Encyclopaedia Foundation*.
- Yemeni Dozi Sorkhabi, M. (2016). From school to university. *Tehran Research Institute of Cultural and Social Studies*.
- Yoshimoto.k, et. (2004). Japanese- British Comparison of Higher Education an human Resource Development: Relation between Recruitment and Training in Companies and University Education, Findings from Company Interviews. JILPT Research Report No.38.
- Zahedi, SH. A (2021). Longitudinal Research about Women Situation in University in a Three Decades Period 1991 to 2021. *Biannual Journal of Human Sciences Development*. No 4.

